

دانشنامه جهان اسلام

(جلد ششم)

گروه فلسفه و عرفان
بنیاد دایرة المعارف اسلامی

(عارف ایرانی قرن ششم)، نوشته فاطمه فنا؛ «تبریزی، ملارجب‌علی» (عارف و حکیم شیعی قرن یازدهم)، نوشته فاطمه فنا؛ «تبریزی، نجیب‌الدین رضا» (از مشایخ صوفیه ذهبیه در قرن یازدهم) نوشته حسن کوهپایه؛ «تتوی، معین‌الدین» (صوفی قرن دوازدهم در شبه قاره هند)، نوشته سید جعفر سجادی؛ «تتوی، محمد هاشم» (عالم و مؤلف هندی قرن دوازدهم)، نوشته اکبر ثبوت، «تتبی، شیخ علی» (حکیم قرن سیزدهم و شاگرد حاج ملاهادی سبزواری)، نوشته اکبر ثبوت؛ «تبادکانی، شمس‌الدین» (عارف قرن نهم)، نوشته اکرم چاوشی؛ و «ترباعلی لکهنوی» (عالم و مؤلف هندی قرن سیزدهم)، نوشته اکبر ثبوت. «تبریزی، ملارجب‌علی» (نوشته فاطمه فنا). در بخش اول این مقاله، مؤلف پس از ذکر محل تولد (تبریز) و زندگی (اصفهان) ملارجب‌علی تبریزی به سیر تحصیل علمی و سلوک عرفانی وی می‌پردازد. «درباره استادانی که ملارجب‌علی تبریزی نزد آنها فلسفه خوانده است گزارشی در دست نیست. جز اینکه در برخی منابع متأخر او را شاگرد میرفندرسکی و تحت تأثیر آرا و تعالیم فلسفی او دانسته‌اند» (ص ۴۱۵).

سپس به زمینه‌های تدریس و شاگردان زبده وی در حوزه علوم عقلی اشاره می‌شود. مؤلف در ادامه به معرفی آثار فلسفی و عرفانی این حکیم و چاپ‌های مختلف آنها می‌پردازد، از جمله رساله اثبات واجب به فارسی درباره واجب و مباحث وجود؛ الاصول الاصفیه به عربی در مباحث و اصول فلسفی همچون قاعده الواحد، وجود ذهنی، جعل، حرکت جوهری؛ کتاب فی الحکمه (به فارسی) و دیوان واحد تبریزی (مجموعه اشعار رجب‌علی تبریزی). در بخش دوم آرای فلسفی ملارجب‌علی تبریزی ذکر شده است. در این بخش آرای وی در الهیات تنزیهی، قول به اشتراک لفظی وجود، رای خاص ملارجب‌علی در باب صفات خدا، رای او در باب اصالت وجود یا ماهیت انکار حرکت جوهری و وجود ذهنی آمده است.

در زمینه کتب و آثار، پنج مدخل به حوزه فلسفه و عرفان اختصاص دارد: «تاریخ الحکما» (اثر قفطی در شرح سوانح زندگی فلاسفه و منجمان و اطبا) نوشته حسن سیدعرب «تائیه ابن عامر» (قصیده‌ای عرفانی به عربی در شرح و توضیح تائیه ابن فارض)، نوشته سید جعفر سجادی و حسین سید عرب؛ تائیه ابن فارض (قصیده‌ای عرفانی در احوال و مراتب

انتشار دایرة‌المعارف (معادل با Encyclopaedia) در سنت فکری- فرهنگی ما، که سابقه و تجربه چندانی در این زمینه ندارد، امر خطیری است. پیمودن این راه هم نیازمند بصیرت فرهنگی به نسبت جزء و کل و شاهراه‌ها و راه‌های فرعی است، هم ساز و برگ و عده و عده بسیاری می‌طلبد. بی جهت نیست که کار دایرة‌المعارف نویسی در این دیار یا هرگز آغاز نشده یا در همان آغاز و قدم‌های نخست از نفس افتاده و زمینگیر شده است. تنها استثنای این حکم، دایرة‌المعارف فارسی مرحوم مصاحب است که آن نیز دایرة‌المعارفی عمومی و مختصر بوده و مقدار معتابیهی از آن ترجمه مقالات دایرة‌المعارف مختصر کلمبیا است؛ گویانکه باید قردان آن همت عالی بود که همین مختصر را از اهل معرفت دریغ نداشته است.

باری، این کارنامه دایرة‌المعارفی نحیف با انتشار دو مجموعه بزرگ دایرة‌المعارفی (دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی و دانشنامه جهان اسلام) در دو دهه اخیر رو به رشد است. انتشار پی در پی هر یک از مجلدات این دایرة‌المعارف‌ها گذشته از اینکه مایه امینواری اهل فرهنگ و استمرار کار دایرة‌المعارف نویسی است، در حقیقت دعوت اهل نظر به توجه، نقد و تحلیل موشکافانه، و البته منصفانه حاصل کار است.

دانشنامه جهان اسلام یکی از این دو مجموعه بزرگ است که به موضوعات و جنبه‌های مختلف فرهنگ و تمدن اسلام و ایران می‌پردازد، اعم از قرآن و حدیث و فقه و فلسفه و عرفان و ادبیات و تاریخ و جغرافیا و سیاست و فرهنگ عامه و پزشکی و گیاه‌شناسی. ششمین جلد از این دانشنامه در ماه‌های اخیر روانه بازار شده است. از آنجا که اشاره‌ای ولو مختصر به همه مدخل‌ها از حوصله یک نوشتار کوتاه خارج است، در اینجا ضمن مروری سریع بر مدخل‌های فلسفه و عرفان این مجلد (جلد ششم)، برای نمونه برخی از مقالات آن را مختصراً معرفی خواهیم کرد. مقالاتی را که در حوزه فلسفه و عرفان در این مجلد منتشر شده‌اند، می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: اعلام و شخصیت‌ها، کتب و آثار، مفاهیم و اصطلاحات.

در حوزه اعلام و شخصیت‌ها در فلسفه و عرفان هفت مقاله به چاپ رسیده است. این مقالات عبارت‌اند از: «تایب‌ادی، زین‌الدین ابوبکر»

دانشنامه جهان اسلام

ت

ت - تبت جام

(۶)



زیر نظر
علاء‌الدین سادات عادل

حسن
حسن غازی راد

تهران - ۱۳۸۰

نظر مفسران قصیده ابن فارض را در کنار هم آورده‌اند. حال و هوای خود قصیده نیز بیشتر رنگ و بوی اندیشه‌های عرفانی ابن عربی را دارد. به همین دلیل «بسیاری از عرفا و به خصوص پیروان ابن عربی از این قصیده استقبال کرده و بر آن شروع بسیاری نوشته‌اند» (۳۴۸).

ابن فارض این قصیده را به صنایع لفظی و معنوی بسیاری آراسته و اشارات و تلمیحات متعددی به قرآن، احادیث و سخنان مشایخ صوفیه دارد. این امر از

سویی فهم معانی قصیده را دشوار کرده و از سوی دیگر قصیده را محتاج شرح و تفسیر ساخته است. مقاله از کسانی نام می‌برد که تمام آثار دیگر ابن فارض را شرح کرده‌اند اما به دلیل همین دشواری‌ها و اختلاف فهم‌ها از شرح کردن این قصیده تن زده‌اند.

قسمت پایانی مقاله به معرفی شروح مختلف این قصیده اختصاص دارد. درمیان شارحان تأثیه ابن فارض نام بزرگانی چون عبدالرزاق کاشانی، داوود قیصری، تُرکه اصفهانی و عبدالرحمان جامی به چشم می‌خورد. همچنین ذکری از شروح منسوب به ابن عربی و میرسیدعلی همدانی آمده است. ترجمه‌های این قصیده به زبان‌های آلمانی (۱۸۵۴م)، ایتالیایی (۱۹۱۷م) و انگلیسی (۱۹۲۱م) در پایان مقاله معرفی شده است.

به نظر می‌رسد بهتر بود در این مقاله ابیاتی به عنوان نمونه از این قصیده مهم ذکر می‌شد، در این صورت ممکن بود خواننده مقاله وجه تسمیه قصیده به «تأثیه» را - که نویسندگان گویا از فرط بدهامت متذکر نشده‌اند - حدس بزند.

مقاله «تذکره الاولیاء» (نوشته محمد استعلامی)، به معرفی یکی از مهمترین و تأثیرگذارترین کتاب‌های عرفانی در شرح احوال مشایخ صوفیه اختصاص دارد. مقاله ابتدا ساختار موضوعی کتاب را بیان می‌کند که مشتمل است بر یک مقدمه و ۷۲ باب، و هر یک از باب‌ها به زندگی و

سلوک) نوشته سیدجعفر سجادی و پروانه عروج‌نیا، التجلیات الالهیه (اثری عرفانی از محیی‌الدین ابن عربی) نوشته حسن سیدعرب، تذکره الاولیاء (اثر مهم عطار نیشابوری) نوشته محمد استعلامی.

مدخل «تاریخ الحکما» (نوشته حسن سیدعرب) به معرفی یکی از مهم‌ترین کتاب‌های تاریخی در حوزه فلسفه و برخی از علوم مانند طب یا نجوم و ریاضیات می‌پردازد. تاریخ الحکما (یا

اخبارالعلماء به أخبار الحکما) اگر چه کتاب تاریخ فلسفه به معنای جدید آن نیست اما می‌توان آن را منبع خوبی برای نگارش تاریخ فلسفه اسلامی یا تحقیق در آرای فیلسوفان و دانشمندان مسلمان به شمار آورد. کتاب، تاریخ حکما رانا قرن ششم (عصر زندگی نویسنده) شامل می‌شود. مؤلف پس از ذکر منابعی که قفطی در تاریخ الحکما از آن بهره برده است، به معرفی ساختار موضوعی این اثر و مضمون بخش‌های مختلف آن می‌پردازد. در این مقاله همچنین به تلخیص محمد خطیبی زوزنی از تاریخ الحکما (به نام المنتخبات الملتقطات من کتاب تاریخ الحکما) و ترجمه این تلخیص از عربی به فارسی اشاره شده است.

مقاله «تأثیه ابن فارض» (نوشته سید جعفر سجادی و پروانه عروج نیا) به معرفی قصیده عرفانی معروف ابن فارض می‌پردازد. تعداد ابیات این قصیده بالغ بر ۷۵۰ بیت است که همه ابیات به حرف ت (تاء) ختم می‌شود. گفته شده است که ابن فارض این قصیده را در اثر جذبه‌هایی که گاه گاه به او دست می‌داده، سروده است. «قصیده تأثیه در حقیقت معراج‌نامه یا شرح احوال شاعر است و نمونه‌ای از احوال مشترک سالکان را در مراحل سلوک نشان می‌دهد» (ص ۳۴۷). مقاله در ابتدا مضامین عرفانی این اثر را بررسی کرده و اشارات و کنایات آن را به صورت موضوعی شرح می‌دهد. مؤلفان از این رهگذر به برخی مباحث مناقشه برانگیز در میان عرفا و علمای اسلام، همچون حلول و اتحاد، پرداخته و

مؤلف ابتدا معنای لغوی تبتل را توضیح می‌دهد و سپس به معنای اصطلاحی آن می‌پردازد. اصطلاح تبتل که مأخوذ از قرآن کریم است («... و تَبَّتْ اِلَيْهِ تَبْتِلًا» مزمل: ۸) در تفاسیر به معنای «اخلاص در دعا یا عبادت» و نیز به معنای بریدن از غیر خدا آمده است. این اصطلاح در روایت شیعه و سنی همچنین به معنای ترک ازدواج برای عبادت به کار رفته است. البته این معنا از تبتل از طرف پیامبر (ص) و معصومین نهی شده است. مؤلف سپس به سراغ مفهوم تبتل در آثار عرفانی رفته آرای عرفایی چون خواجه عبدالله انصاری، عبدالرزاق کاشانی و عقیق‌الدین تلمسانی را در باب مقام تبتل گزارش می‌کند. «انصاری مقام تبتل را بعد از مقام ورع و قبل از رجا و به معنای انقطاع کلی و تجرید از ماسوی الله آورده است». نیمه دوم مقاله به شرح درجات سه گانه تبتل اختصاص دارد. اولین درجه «انقطاع از همه لذات و ملاحظات، قطع امید و خوف از مردم و ترک مبالغات یا ایشان» است.

دوم «انقطاع نفس از هوا و هوس است که نتیجه آن انس با حق و پیدا شدن یارقه‌های کشف است». اما سومین درجه «سبق» است که معنای آن را دل سپردن به عنایت سابقه ازلی (یا به گفته جافظ: ناامیدم مکن از سابقه لطف ازل) یا طلب مقام سابقین در معرفت دانسته‌اند. مؤلف دریایان رای خویش را چنین ابراز نموده که مقام تبتل تمام مقامات سیر و سلوک را، پیش از مقام فنا، در خویش دارد و به این بیت از مولانا استشهاد می‌کند: از مقامات تبتل تا فنا/ پله پله تاملات خدا. مقاله «تجرد نفس» (نوشته انسیه برخواه) به بحث فلسفی مجرد و غیر مادی بودن نفس می‌پردازد.

تجرد نفس به معنای «عاری بودن نفس از ماده و عوارض و لواحق و احکام آن» است. مقاله با گزارش آرای اکابر فیلسوفان یونان، افلاطون، ارسطو و افلوپین آغاز می‌شود. به گزارش مؤلف از منابع معتبر، افلاطون نخستین کسی است که رای به تجرد نفس داده و برای آن براهینی اقامه کرده است. این بحث به طور مستقل و به تصریح بیشتر در آثار افلوپین آمده است. مؤلف متذکر می‌شود که در میان فیلسوفان مسلمان، کندی در بحث تجرد نفس بیشتر آرای افلوپین را بیان می‌کند. بنا به رای جمهور فلاسفه مسلمان، نفس با پدید آمدن بدن پدید می‌آید اما در عین تعلق

حالات و سخنان یکی از صوفیان سلف می‌پردازد. این فصل از امام جعفر صادق (ع) آغاز شده و به ذکر حسین بن منصور حلاج ختم می‌شود. مؤلف با استناد به کهن‌ترین نسخه دست نویس کتاب تذکره الاولیا (مربوط به قرن دهم)، بحثی تاریخی درباره تعداد فصول و محتوای کتاب مطرح می‌کند. سپس با ارجاع به مقدمه خود عطار، به شیوه کار وی در گزینش و نقل حالات و سخنان صوفیان بزرگ اشاره می‌کند. مؤلف این ملاحظه را افزوده است که «عطار در سرگذشت هر عارف تمام نقل‌ها و روایت‌هایی را که درباره زندگی او در منابع دسترس خود خوانده و به نظر او درست آمده آورده، اما بیش از آنکه در صحت روایات دقت کند، به تاثیر تربیتی و ارشادی آنها توجه دارد» (ص ۷۸۲)

در ادامه مقاله ویژگی نثر تذکره الاولیا و موقعیت آن در نسخه‌شناسی نثر فارسی ذکر شده است.

مفصل‌ترین قسمت مقاله مربوط می‌شود به بررسی منابعی که عطار احتمالاً در تألیف تذکره الاولیا از آنها سود جسته است. مؤلف در بخش بعدی مقاله ترجمه‌های تذکره الاولیا را به زبان‌های دیگر (عربی و ترکی اویغوری در قرن نهم هجری، فرانسه و انگلیسی) از نظر گذرانده و ملاحظات انتقادی خویش را نیز در باب صحت انتساب ترجمه عربی آورده است. بخش پایانی مقاله به چاپ‌های مختلف تذکره الاولیا از اوایل قرن چهاردهم به این سو، در هند، ترکیه و ایران می‌پردازد.

در حوزه مفاهیم و اصطلاحات فلسفی و عرفانی هشت مقاله وجود دارد: «تأویل» (اصطلاحی در فلسفه و عرفان) نوشته رضا سلیمان حشمت؛ «تبتل» (اصطلاحی عرفانی)، نوشته پروانه عروج‌نیا؛ «تجربه» (اصطلاحی در منطق و فلسفه از منابع معرفت)، نوشته انسیه برخواه؛ «تجرد نفس» (از مسائل فلسفی) نوشته انسیه برخواه؛ «تجلی» (اصطلاحی در تصوف و عرفان اسلامی)؛ نوشته بابک عباسی؛ تجرید (اصطلاحی عرفانی)، نوشته حسن سیدعرب «تحقیق» اصطلاحی در منطق و فلسفه، نوشته بابک عباسی؛ و «تدبیر منزل» (از اقسام حکمت عملی)، نوشته رضا پورجوادی.

مقاله «تبتل» (نوشته پروانه عروج‌نیا) انواع معنای این اصطلاح را در تفاسیر و روایات، همچنین معنای تبتل را از نظر عرفانی بیان می‌کند.

است» (ص ۵۹۱). مقاله در پایان به بیان کیفیت تجلی و مراتب آن از نظر ابن عربی و شارحان او می‌پردازد.

مقاله «تحقیق» (نوشته بابک عباسی) به اصطلاحی می‌پردازد که در فلسفه و عرفان کاربرد فراوانی داشته است. مؤلف ابتدا به معنای تحقیق در فلسفه و منطق می‌پردازد و رابطه آن را با اصطلاح تحقق بیان می‌کند. «در فلسفه و منطق و در عرف اهل علم، تحقیق به معنای اثبات مسئله با دلیل آن است» (ص ۶۷۲). تحقیق در فلسفه معنایی معرفت‌شناختی دارد که به مقام اثبات مربوط می‌شود و تحقق واجد معنایی وجود شناختی است که به مقام ثبوت راجع است. در فلسفه این دو مقام از یکدیگر تفکیک شده‌اند، لذا تحقیق (به معنای اثبات) از تحقق (به معنای ثبوت) متمایز است» (ص ۶۷۲). در ادامه کاربرد و معنای واژه در زمینه‌های فلسفی مختلف با ذکر مثال بیان می‌شود و از این طریق واژه‌های خویشاوند و نیز واژه‌های متضاد تحقیق معلوم می‌شود.

اما در عرفان تحقیق از مقامات و نهایات سلوک و به معنای یقین قلبی و رؤیت حق تعالی در اسمای اوست. در این بخش معانی و مراتب تحقیق از نظر عرفا بیان می‌شود. تحقیق در عرفان با توحید نیز پیوند دارد. چنانکه در مقام تحقیق دوگانگی از میان برمی‌خیزد و به یگانگی خدا نیز خود او شهادت می‌دهد «شَهِدَالَهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ. آل عمران: ۱۸» (ص ۶۷۳). مؤلف با اتخاذ این رای که در عرفان معرفت‌شناسی و وجودشناسی بر یکدیگر منطبقند، نشان می‌دهد که در متون عرفانی میان اصطلاح تحقیق و تحقق تفکیک و تمایزی دیده نمی‌شود.

مجلد ششم از دانشنامه جهان اسلام از حرف ت آغاز شده و پس از هشتصد و اندی صفحه دوستونی (در قطع رحلی) به تربت جام رسیده است. از آنجا که هدف این نوشته بیشتر معرفی این دانشنامه و جلب توجه اهل تحقیق برای استفاده از مقالات آن بوده است، در اینجا به معرفی اجمالی مقالات بسنده شد. امید است با ورود صاحب نظران به نقادی‌های تخصصی و تذکر نقاط قوت و ضعف مقالات، دایرةالمعارف نویسی رواج و رونق بگیرد. از سوی اصحاب فلسفه نیز آرزو می‌کنیم با ورق خوردن برگ‌های این دانشنامه سبز در آینده شاهد تولد دایرةالمعارف تخصصی فلسفه از این دایرةالمعارف مادر باشیم.

تدبیری با بدن با آن تغایر جوهری دارد. مؤلف به گزارش آرای ابن سینا و ملاصدرا می‌پردازد و ربط نظریه نفس و نظریه حرکت جوهری ملاصدرا را توضیح می‌دهد.

فیلسوفان مسلمان به طور کلی سه مرتبه برای تجرد نفس قائل شده‌اند: تجرد برزخی یا خیالی، تجرد تام عقلی و تجرد اتم یا مرتبه فوق تجرد عقلانی. مؤلف نظر و اختلاف نظر حکمای مشایی، اشراقی و صدرایی را در بحث تجرد برزخی به تفصیل آورده است. در بخش تجرد تام عقلی گزارش موجز و مفیدی از براهین متعدد اثبات تجرد تام نفس، در مقام تعقل بالفعل، عرضه شده است. در پایان این بخش بحثی نقلی-دینی نیز در باب تجرد نفس آمده است. نویسنده در بحث از تجرد اتم (تجرد از ماده و نیز از ماهیت) نظر ملاصدرا و اتباع او را در باب سومین مرتبه تجرد نفس بیان کرده است: «نفس به دلیل داشتن سیر استکمالی و متوقف نشدن در حدی خاص، مجرد از ماهیت، و بنابراین «فوق المقوله» است، یعنی نه جوهر است نه عرض و به تعبیر دیگر وجود است» (ص ۵۷۱)؛ رایی که نشانه فلسفه اصالت وجود ملاصدرا را بر پیشانی دارد. مؤلف در پایان مقاله نظر اعظم متکلمان و محدثان مسلمان را در باب تجرد نفس ذکر می‌کند.

مقاله تجلی (نوشته بابک عباسی) با تفکیک دو معنای سلوکی و متافیزیکی تجلی در عرفان اسلامی آغاز می‌شود. معنای سلوکی تجلی عبارت است از آشکار شدن ذات، صفات و افعال حق تعالی بر ضمیر سالک و در معنای متافیزیکی (وجود شناختی) کل عالم هستی، تجلی حق تعالی است. مؤلف پس از ذکر سابقه این اصطلاح در قرآن و حدیث این دو معنا از تجلی را با استناد به متون عرفانی شرح می‌دهد. در معنای اول «تجلی، با نور و اشراق و رؤیت، که نمادهای بصری‌اند، و نیز با مفهوم قلب پیوند دارد. از جمله گفته‌اند که تجلی، تابش نور حق است بر قلب مقبلان» (ص ۵۸۹). سپس انواع و نیز مراتب تجلی بیان می‌شود. اما معنای متافیزیکی تجلی به نقش تبیینی این اصطلاح در نظام فلسفی-الهیاتی ابن عربی باز می‌گردد. «در مکتب ابن عربی تجلی در کنار نقش سلوکی، به نظریه‌ای وجودشناسانه تبدیل شده که عهده دار تبیین نظام هستی و نحوه ارتباط حق و خلق و ربط جهان نموداری کثرات با وحدت مطلق حق